

آیا خشونت علیه زنان، در جهان و بخصوص در جوامع اسلامی از میان خواهد رفت...؟

این یک حقیقت کاملاً روشن است که خشونت علیه زن نسبت به هر جامعه دیگری، در کشورهای اسلامی بیشتر است که مغایر اخلاق اسلامی بوده، ظلم پنداشته میشود. البته خداوند تعالی ظالمین را دوست نمیدارد و به آنها وعده عذاب داده است، چنانکه در قرآن میفرماید:

(بالای زنان ظلم نکنید و بدانید که دست خداوند بالا و قویتر است از دست شما بر سر زنان).

عدم دانش کافی در امور دین، اینهمه مصیبت ها را که می بینیم و می شنویم بوجود آورده است و امید است با توجه به بالا بردن سطح دانش مردم، تعالیم و فهم درست از قرآن، اینهمه خشونت ها که در بخش های مختلف کشور ما افغانستان اتفاق می افتد برای همیشه محو و نابود گردد.

مطلب که در اینجا بیان میگردد، یک واقعیت تلخ است که در جامعه ما (علیه زن) اتفاق افتیده و ممکن مردم از آن اطلاع حاصل نکرده باشند.

روزی در یک دکان قرطاسیه فروشی مصروف خرید جنس مورد ضرورت بودم، یک جوان تازه وارد خطاب به جوان دیگر که در کنار دکاندار روی چوکی تکیه داده بود به آهستگی گفت: او را کشتند... جوان در جوابش با تبسم معنی دار مثل اینکه قبلاً در جریان بوده باشد گفت چگونه...؟ در جواب گفت چاقو بارانش کردند...

من بی اختیار رو بطرف آنها کشتانده و با تعجب پرسیدم: آیا شما در مورد کدام پرنده یا حیوان حرف میزنید و یا یک انسان که چنین با رضایت و اطمینان صحبت میکنند...؟

جوان تازه وارد که فکر نمیکرد در آن دکان کوچک من هم متوجه حرف های آنها شده باشم، رو به من کرده گفت:

(ف) یک زن بسیار خراب و بد کاره بود، هرگاه یک مکروب از جامعه کم و یا گم میشود نباید غصه کرد و فکر میکرد که جواب قانع کننده برایم داده است. ولیکن من برایش گفتم: حتماً در مقابل زنان بدکاره (فاسقه) مردان بد کار (فاسق) نیز قرار میداشته باشند و اکثر زنان محتاج به این راه جبرا کشانیده میشوند، آیا آنها را نیز چاقو باران میکنند...؟

دو باره تلاش کرد جوابی بدهد تا موضوع خاتمه بیابد و چنین علاوه کرده گفت: (یک زن فاسقه برابر نمیشود با صد مرد فاسق). و اما مرد دکاندار که از ظاهرش مرد دیندار معلوم میشد گفت: اینها وظیفه دار امنیت هستند و دادن راپور به همدیگر جز برنامه کار آنها میباشد، یعنی اینها خود در قتل دست ندارند و به تائید از گفته های آن جوان ادامه داده گفت:

چون طبیعتاً خداوند پاک تقاضا (جنسی) مردان را نسبت به زنان بیشتر ساخته است... (به نظرش که مردان مقصر نیستند). دانستم که با ذهنیت که آنها دارند، بحث با آنها فایده نخواهد داشت آنهم در یک دکان کوچک در حال ایستاده، البته گفته های دکاندار مرا حیران ساخته بود که نه از نظر علمی درست بود و نه از دید و نظر دین خداوند که هر کلامش از عدالت دور نیست و اگر چنین میبود خداوند تعالی جزای مرد زناکار را نظر به زیاد بودن حس شهوانی اش نسبت به زن زناکار مساوی نه بلکه کمتر هم میساخت...

از اوضاع بد (خشونت علیه زنان) که در کشور ما جریان دارد، بسیار متأثر شدم و قبل از آنکه آنجا را ترک بگویم به مرد دکاندار گفتم مجالس (بچه بازی) که در حقیقت با بچه های خود این عمل زشت را انجام میدهند پای زن در آن داخل نیست، چگونه در برابر مرتکبین آن مسوولین امنیتی خاموش هستند... تا جلو مکروب های قویتر گرفته شود که خداوند تعالی آن عمل قبیح و زشت را محکوم نموده است.

برایم کاملاً روشن نشد که آن زن توسط و یا به حکم کدام مرجع قانون و یا گروه کشته شده است، که بدون فیصله محکمه و حکم قاضی امر قتل در موردش صادر گردیده است. چون اکثر همچو زنان خود به این کار راضی نمیباشند. حتی در کشور های غربی بیشتر از هفتاد و پنج درصد از زنان که به (فحشاگری) رو میاورند، دلایلش را شرایط بد اقتصادی وانمود داشته، گاهی هم احساس نفرت در خود میکنند که قلباً بدان عمل راضی نمیباشند.

سالیان قبل در شهر لندن بعد از آنکه از مفقود شدن چند تن از زنان (بدکاره) خبر بگوش دولت رسید، بعد از جستجو اجساد آنها را نه چندان دور از هم در محلی پیدا نمودند، قاتل را گرفتار و بعد از تحقیق معلوم گردید که آنشخص روی انگیزه مذهبی به این عمل یعنی کشتن زنان بد کاره دست زده است، باز هم سوال پیدا میشود که چرا زن به قتل میرسد، ولیکن مردان که چرخ اقتصاد (عواید) پولی در اختیار دارند و در این راه بمصرف میسرانند، مورد جزا قرار

نمیگیرند. آیا حرف مرد دکاندار قابل تأیید است که مردان معاف بوده، پس گرفتن چهار زن را به همین دلیل غریزه جنسی مرد میدانند که صرف حق مردان پولدار و ثروتمند میباشد؟

البته بعد از حادثه لندن، در امریکا نیز سر و صدا بلند شد اینکه مردی پیدا شده است که به قتل مردان (همجنس باز) اقدام نموده حتی توجه رسانه های جهان را نیز بدان جلب نموده بود و جالب اینست که بعضی از اشخاص مشهور در هالیوود که احساس میکردند شاید در لست قاتل نظر به فسق شان قرار داشته باشند به جاهای نامعلومی موقتاً خود را پنهان ساخته بودند، اما وقتیکه شخص مذکور دستگیر گردید، گفت که انگیزه اینکارش اشخاص بوده است که در ایام نو جوانی جبرا به او آزار رسانیده و مورد تجاوز شان قرار گرفته بود.

دیده میشود که حکم الهی در قرآن به قتل زن بدکاره اشاره نفرموده است، بلکه سفارش گردیده تا تماس شان با بیرون قطع شده و در خانه ها محبوس بمانند مگر پیشیمان شده، اظهار ندامت کرده تا از اعمال زشت انجام شده توبه کنند. پس زنان که مورد تجاوز یکی و یا بیشتر قرار میگیرند، یعنی به میل و رغبت خود آن عمل زشت را انجام نمیدهند، چه حکمی در برابر شان خواهد بود؟

البته در برابر زن آزاده، عاقله و بالغه که با رضایت خود همچو عمل را انجام میدهد در سوره نور بصورت واضح آمده است که اگر مرتکب (زنا) میشود صد دره باید بدون دلسوزی و ترحم بر آنها جاری ساخته شود، ولیکن در مورد زن کنیز که مرتکب عمل زنا شده باشد نصف جزا یعنی پنجاه دره را مقرر داشته است در صورتیکه هردو عمل (زنا) میباشد. خداوند از راه عدل در برابر بندگان حکم صادر میکند و به زن کنیز تخفیف جزا داده است، یعنی اگر زن کنیز عاقله هم باشد اما چون اختیار مطلق خود را ندارد و شاید به آن عمل مجبور ساخته شده باشد. خداوند تعالی عالم به اعمال بنده گانش بوده که چه کسانی از روی هوای نفس این عمل را انجام میدهند و چه کسانی از روی مجبوری و یا تجاوز که به آنها صورت گرفته است این خطا سر زده است، اما در هیچ حالت حکم قتل بر آنها از جانب پروردگار صادر نگردیده است.

در سوره احزاب، خداوند به زنان پیغمبر میفرماید که: اگر از یکی شما زنان پیغمبر عمل زشت سر میزند جزای شما دو چند دیگران میباشد. زنان پیغمبر از تعالیم دینی نسبت به زنان دیگر بیشتر برخوردار بوده و از اخلاق اسلامی زیاد آموخته و مستفید گردیده بودند، باآنها خداوند تعالی آنها را متوجه ساخته است تا موقف خود را بدانند که آنها مانند زنان عادی نیستند.

آیا حکم جزا در مورد دزد که از روی مجبوری دست به دزدی میزند و دزد که از شکم سیری و عادت دزدی میکند چگونه خواهد بود؟

اگر عدالت واقعی در کشور های اسلامی حکمفرما میبود بجای آنکه یک دست دزد مجبور و محتاج قطع میگردد، باید دو دست دزدان که دارایی های مردم را دزدی کرده اند قطع گردد، اگر از نظر فزیک قطع نمیشود، اما دستان شان از کار گرفته و به قانون سپرده شوند تا با جریمه نقدی یکمقدار به دزد مجبور پرداخته شود تا رفع احتیاجات خود را نماید، همچنان در مورد زنان بدکاره بجای قتل زن بدکاره باید آن مرد که چولش را درین راه بمصرف میرساند، با دادن اخطار و جریمه نقدی تا بعد از جزای لازمه به مرد (بدکار) جلو این اعمال زشت گرفته شود و از پول جریمه شده به زن محتاج که درین راه کشانیده شده و تن فروشی میکند معاونت صورت بگیرد تا برای زندگی بهتر و آینده روشن به راه درست به مصرف برساند.

آمده است که در صدر اسلام تعداد از مردان فاسق بودند که زیاد کنیز میخریدند و آنها را به فحشاگری مجبور میساختند تا (عواید) از آنها بدست آورند، چنانکه امروز زنان محتاج مستخدمین (خارجی) وسیله بهره برداری یکتعداد مردان فاسق (مافیایی) شده اند که در عقب این زنان اجیر شده قرار دارند.

دختران محتاج را از کشور های مختلف به همین منظور (فساد اخلاقی) اجیر میگیرند. آن کسانی که پسران و دختران خورد سال را از فامیل های نادر در بدل پول خریداری نموده به بهانه اینکه اطفال شما را برای درس و تربیت درست با خود میبریم و لیکن از سرنوشت آنها کسی خبر نمیشود که چه بلاهایی بر سر شان خواهد آمد داستانهای تراژیدی و تکان دهنده بشمار است که نمونه های ازین بی عدالتی ها را در حق مظلومان کشور خود (زنان و کودکان) زیاد داریم.

خداوند تعالی آن کسانی را که در حق مظلومان ظلم مینمایند آنها را در دنیا و آخرت شرمنده ساخته به جزای اعمالشان رسانیده و به آنها وعده عذاب شدید را میدهد.

متأسفانه تبعیض و خشونت علیه زنان در کشور ما که یک کشور سنتی و قبیلوی میباشد با همان شدت خود باقیست و زنان مظلوم حق دفاع را از خود هم ندارند با آنکه خداوند تعالی در قرآن اولاً به مظلوم میفرماید تا از حق خودش در برابر ظالم دفاع نماید و اگر خود دفاع کرده نتوانست خودش را به خداوند بسپارد تا انتقامش را از ظالم بگیرد. متأسفانه بسیاری از زنان به خصوص در قریه و قصبات یعنی اطراف کشور از روی عرف در برابر شوهر جرأت گفتن حرف را ندارند چه رسید که حق دفاع خود را داشته باشند. و اگر نظر به امر خداوند از خود دفاع نمایند با انواع خشونت ها از طرف شوهر و خانواده اش مقابل میگردند.

در هر جا که ظلم و ظالم وجود دارد معلومدار که آنها با دین خداوند بیگانه هستند، البته مسدود ساختن مکاتب دختران و ایجاد ترس و وحشت در برابر آنها که با سوختاندن و زهر پاشی مکاتب سبب مسموم ساختن دختران شده و مانع تعلیم آنها میگردند، که این خود یک ظلم بزرگ در برابر حضور فعال دختران و زنان در اجتماع میباشد، پوشش اجباری (چادری) نوع دیگری از مظلومی میباشد که در شریعت و قانون خداوند هم وجود ندارد و در سراسر جهان تنها در افغانستان برای عقب نگه داشتن زنان بر آنها تحمیل شده است تا جرأت و حق دفاع را که خداوند به آنها داده است از آنها گرفته باشند.

متأسفانه ازین فرهنگ کهنه (پوشش چادری) سوء استفاده ها هم صورت گرفته است، یعنی زنان بدکاره برای اینکه هویت شان تشخیص نگردد از همین (چادری) استفاده میکنند، همچنان مردان (انتحاری) نیز بوسیله همین پوشش چادری جنایات را علیه مردم مظلوم و بی دفاع کشور انجام میدهند، که البته با تعلیمات درست قرآنی و تبلیغات سالم عالمای دینی در برابر آن مبارزه باید کرد تا هویت اصلی زن مسلمان تشخیص شده بتواند و پوشش چادری جلو پیشرفت های علمی و تعلیمی، همچنان جرأت و حق دفاعیه زنان مسلمان را میکیرد که با آیات قرآن در تضاد میباشد چون خداوند تعالی به زن و مرد مسلمان سفارش فرموده تا از نور علم مستفید گردند.

برای اکثر مردم درست هویت طالبان تشخیص نشده است، زیرا با وجود ضدیت و خشونت ها در برابر زنان و دختران که اعمال غیر انسانی و اسلامی را در برابر آنها انجام میدهند، اما درین اواخر طالبان برای ناتو تعهد سپرده تا به دختران مکاتب در همان منطقه اجازه آموختن زبان انگلیسی و کمپیوتر را بدهند. که از چنین نیرنگ و دور رویهای آنها قبلاً هم مردم خبر داشتند که زود چهره های شان را در برابر وعده های غربی ها تغییر میدهند، اینکه با این اعمال خود چه مصیبت ها و بدبختی ها را در حق مردم مظلوم مرتکب میشوند، البته که خداوند تعالی به همه اعمال بنده های خود عالم و داناست و به جزایشان میرساند.

چندی قبل در کشورتونس تعداد زیاد از مردان آنکشور علیه پوشش (سرانداز) های سراپا به رنگ سیاه آنچه در کشور ایران رایج است، چون روز تا روز به تعداد آنها زیاد شده میرفت و برای جلوگیری از این روش ظالمانه که بدون رضایت خود زنان بر آنها تحمیل میشد گرفته باشند، مردان ترقی خواه مظاهرات را براه انداخته و بروی جاده ها و سرک ها برآمدند، تا حق آزادی و دفاع زنان را حفظ نموده تا از حضور فعال زنان در اجتماع جلوگیری صورت نگیرد. جالب اینجاست که برای دادن آزادی و قدرت دفاعیه به زنان، این خود مردان با احساس و خدا شناس بودند که در دفاع از حقوق آنها برخاستند.

امید است روزی در کشور ما افغانستان نیز مردان آگاه و خدابپرست در دفاع از حقوق زنان بی دفاع برخاسته، جلو تبعیض و (خشونت ها) که به عناوین مختلف تا امروز در حق آنها روا داشته شده است بگیرند تا باشد که ریشه های انواع مظلوم از کشور ما محوه و نابود گردد، و همه مردم ما اعم از زن و مرد با سعادت و خوشی در کنار هم به زندگی راحت خود ادامه دهند، به توفیق خداوند.

پایان